

دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی  
دوره جدید، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۳، صص ۴۴-۳۳

## کلام امام علی<sup>(ع)</sup> در شعر فارسی

احمد رضی

استادیار دانشگاه گیلان

### چکیده

شاعران ادب فارسی، از ابتدا تا کنون در مدح و ستایش مولای متقیان علی<sup>(ع)</sup> شعرهای برجسته و نابی سروده‌اند. مجموعه این مدایح بیانگر جنبه‌های گوناگون شخصیت بی‌بدیل امام و نشان دهنده شیفتگی و دلدادگی شاعران در برابر آن حضرت است. با اندکی تأمل در آثار اغلب شاعران در می‌یابیم که آنان، تنها به مدح و ذکر مناقب امام اکتفا نکرده‌اند، بلکه سخنان گهربار آن حضرت را پشتوانه فکری آثار و دستمایه موشکافی‌های ادیبانه خود کرده و آنها را با ذوق ظریف خود درآمیخته و با بیان لطیف خود بازآفرینی کرده‌اند و در مضمون سازی‌ها و تصویرپردازی‌ها از آنها بهره برده‌اند. در این مقاله، زمینه‌ها، سابقه و شیوه‌های اثرپذیری شاعران برجسته ادب فارسی از کلام علی<sup>(ع)</sup> بررسی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** اثرپذیری، اقتباس، ترجمه، حل، شعر فارسی، کلام علی<sup>(ع)</sup>.

مقدمه

شخصیت جامع و بی‌بدیل مولای مَقیمان علی<sup>(ع)</sup> در جهان اسلام موجب شده است ارادت قلبی نسبت به او، شیوه و راه و رسم قاطبه مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن باشد. نشانه‌های این ارادت در طول تاریخ اسلام از طرف افراد، گروه‌ها، فرقه‌ها و طبقات مختلف مردم به صورت‌های گوناگون ظهور یافته است. در این میان، شاعران مسلمان نیز در سرزمین‌های دور و نزدیک به اظهار ارادت نسبت به آن حضرت پرداخته‌اند؛ آشکارترین نوع آن، سرودن اشعاری با مضمون مدح و ستایش امام<sup>(ع)</sup> است. به همین جهت از اغلب شاعران مسلمان، به ویژه شاعران برجسته ادبیات عربی و فارسی اشعاری نغز در مدح و منقبت مولای علی<sup>(ع)</sup> بر جا مانده است. شاعران برجسته پارسی‌گوی نیز معمولاً در کنار سرودن ابیاتی در حمد خداوند و نعت رسول اکرم<sup>(ص)</sup>، با سخنانی نغز و از سر شیفستگی به مدح آن حضرت پرداخته‌اند که بعضی از سروده‌های آنان به رغم گذشت زمان‌های طولانی، هنوز در ذهن مردم ایران، جاگیر و بر زبان آنان جاری است؛ به عنوان نمونه تعدادی از آنها یادآوری می‌شود:

ای علی که جمله، عقل و دیده‌ای	شمه‌ای واگو از آنچه دیده‌ای ...
راز بگشای ای علی مرتضی	ای پس از سوءالقضا حسن القضا

(مولوی، ۱۳۶۲، دفتر اول، بیت ۳۷۴۵ و ۳۷۵۷)

فردوسی نیز ابیات نغز زیر را براساس این سخن پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> سروده است که فرمود: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجِيَ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (پابنده، ۱۳۶۲: ۵۶۰) یعنی مثل اهل بیت من، مثل کشتی نوح است. هر کس بدان کشتی در نشست رهایی یافت و هر کس در آن نشست غرق شد:

حکیم این جهان را چو دریا نهاد	برانگیخته موج از او تندباد
چو هفتاد کشتی در او ساخته	همه بادبانها برافراخته
یکی پهن کشتی بسان عروس	بر آراسته همچو چشم خروس
پیمبر بدو اندرون با علی	همه اهل بیت نبی و وصی...
اگر خلد خواهی به دیگر سرای	به نزد نبی و وصی گیر جای

(فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۸)

و یا سعدی شیرازی ضمن اشاره به آیات اول سوره دهر که درباره امام<sup>(ع)</sup> و خاندانش نازل شده

است می‌گوید:

کس را چه زور و زهره که وصف علی کند	جبار در مناقب او گفته «هل آتی»
زور آزمای قلعه خیر که بند او	در یکدگر شکست به بازوی «لافتی»
دبیاچه مروّت و سلطان معرفت	لشکر کش فتوّت و سردار اتقیا

مردی که در مصاف، زره پیش بسته بود  
تا پیش دشمنان ندهد پشت برغزا  
شیرخدای و صفدر میدان و بحر جود  
جانبخش در نماز و جهانسوز در وغا  
فردا که هر کسی به شفیعی ز نند دست  
ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی

(سعدی، ۱۳۶۹: ۷۰۲)

همچنین سنایی غزنوی ضمن بیان تفصیلی فضایل امیرالمؤمنین در حدیقه الحقیقه می گوید:  
نامش از نام یار مشتق بود  
هر کجا رفت همرهش حق بود  
بهر او گفته مصطفی به اله  
کای خداوند «وَالِ مَنْ وَالِاه»  
هر که تن دشمن است و یزدان دوست  
داند «الرَّاسُخُونِ فِي الْعِلْمِ» اوست  
دل او عالم معانی بود  
لفظ او آب زندگانی بود

(سنایی، ۱۳۷۴: ۴۸)

و حافظ شیرازی نیز درباره آن حضرت می گوید:

مردی زکننده در خیر پرس  
اسرار کرم زخواجه قنبر پرس  
گرطالب فیض حق به صدقی، حافظ  
سرچشمه آن زساقی کوثر پرس

(حافظ، ۱۳۶۸: ۴۰۷)

این چند نمونه، مستی از خروار است و نشان می دهد که چگونه شاعران برجسته ادب فارسی، مدح با فضیلت ترین انسان بعد از پیامبر اکرم (ص) را مایه افتخار خود می دانستند. شیفتگی و دلدادگی آنان را نسبت به امام، زمانی بهتر درک می کنیم که به رابطه شعر آنان با سخنان گهربار آن حضرت بیندیشیم و ببینیم که چگونه آنان، کلام آن حضرت را پشتوانه فکری آثار خود و دستمایه موشکافی های ادیبانه خود کرده اند و سخنان آن حضرت را با ذوق ظریف خود در آمیخته اند و با بیان لطیف خود بازگو کرده اند.

مطالعه چگونگی ارتباط شعر شاعران با کلام امام علی (ع) و نشان دادن نوع و میزان اثرپذیری شاعران برجسته ادب فارسی از سخنان آن حضرت، ضمن آنکه عمق ارادت آنان را می نمایاند، نشانه ارتباط عمیق فکری آنان با امام (ع) و همچنین نشانه تلاش آنان برای حفظ، احیا و گسترش پیام های آن حضرت در بین فارسی زبانان است.

### زمینه های توجه شاعران به کلام امام علی (ع)

برای آنکه تصور نشود تشابه شعر شاعران با کلام امام (ع) مانند تشابه و یگانه بودن سخنان دو فرد بیگانه است که از روی توارد و تصادف با هم همخوانی پیدا کرده است، اجمالاً به بیان زمینه هایی پرداخته می شود که موجب می شد شاعران فارسی زبان، رویکردی مثبت نسبت به سخنان آن حضرت داشته باشند:

۱. بعضی از شاعران مانند فردوسی، ناصر خسرو و کسایی و... دارای مذهب «امامیه» بوده‌اند. بدیهی است که پیروان این مذهب به رغم تنوع فرقه‌های خود، برای کسب و اطلاع از مبانی دینی و معارف مذهبی به سخنان پیشوای خود رونمایند و در حفظ، احیا و گسترش آن بکوشند. علاوه بر این، شاعران اهل سنت نیز نسبت به آن حضرت که از صحابه خاص پیامبر اکرم (ص) و از خلفای اربعه بود، ارادت ویژه داشتند و کلام آن حضرت را راهگشا و مایه سعادت دنیوی و اخروی می‌شمردند. یادآوری این نکته نیز لازم است که اصولاً مقدار سخنانی که در متون دینی از امام علی (ع) نقل شده است، بیش از سخنان خلفای سه‌گانه است؛ زیرا امام (ع) علاوه بر آنکه زودتر از همگان اسلام آوردند، بعد از همه آنان رحلت فرمودند. این امر یکی از عواملی است که موجب شده تعداد احادیثی که ایشان از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده‌اند، بسیار بیشتر از خلفای سه‌گانه باشد.

۲. شخصیت جامع و بی‌بدیل آن حضرت، هر انسان مُنصف و حقیقت‌جویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وقتی که بعد از قرن‌های متمادی، شیوه، منش و کلام امام (ع)، کسانی امثال جرج جرداق مسیحی را به تحسین و تحقیق و تتبع در مورد او و آثارش و می‌دارد، طبیعی است که شاعران مسلمان فارسی زبان که برای سرودن اشعار ناب، به دنبال شکار نکته‌های نغز و نیکو بودند، از کلام بلیغ و حکمت‌خیز آن حضرت چشم‌پوشند و از مجموعه کلام او که دایرة‌المعارف فرهنگ اسلامی و سراسر حکمت و معرفت و شرح احکام و معارف دینی است، به عنوان خمیرمایه سروده‌ها و مضامین اشعارشان استفاده کنند؛ زیرا علی (ع) براساس حدیث «أنا مدینه العلم و علیُّ بآبها» از نظر مسلمانان، دروازه شهر علم و دانش پیامبر اکرم (ص) تلقی می‌شده است، همچنان که فردوسی با اشاره به این حدیث سروده است:

که من شهرِ علمم، علیم در است      درست این سخن گفت پیغمبر است

(فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۸)

توجه به این نکته نیز ضروری است که سخنان امام (ع) از جهت ادبی، در اوج و کمال هنری قرار دارد. اینکه سیدرضی با گزینش بخشی از آنها نام *نهج البلاغه* را برای آن مجموعه برگزیده است گواهی بر این واقعیت است که سخنان آن حضرت از قدیم‌الایام، معیار و شاخص بلاغت محسوب می‌شد و به همین سبب ادیبان بزرگ عرب، از قرن اول هجری برای تقویت قریحه ادبی خود، به حفظ و از بر کردن خطبه‌ها و دیگر سخنان ایشان می‌پرداختند.

از جمله آن ادیبان «عبدالحمید بن یحیی عامری مقتول به سال ۱۳۲هـ. ق کاتب مروان بن محمد آخرین خلیفه مروانی است. درباره او گفته‌اند هنر کتابت با عبدالحمید آغاز گردید. عبدالحمید گفته است: هفتاد خطبه از خطبه‌های اُصلع را از بر کردم و این خطبه‌ها در ذهن من، پی‌درپی (چون) چشمه‌ای جوشید و ابوعثمان جاحظ (متوفی ۲۵۵هـ. ق.) که او را امام ادب عربی شمرده‌اند و

مسعودی وی را از فصیح‌ترین نویسندگان سلف دانسته است، پس از نوشتن این فقره از سخنان امام «قِیمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُ» چنین می‌نویسد: اگر از این کتاب، جز همین جمله را نداشتیم، آن را شافی، کافی، بسنده و بی‌نیاز کننده می‌یافتیم، بلکه آن را فزون از کفایت و منتهی به غایت می‌دیدیم و نیکوترین سخن آن است که اندک آن تو را از بسیار، بی‌نیاز سازد و معنی آن در ظاهر لفظ آن بود. ابن‌نباته عبدالرحیم بن محمد بن اسماعیل (متوفی ۳۷۴ هـ. ق.) که از ادیبان بنام و خطیبان مشهور عرب است و در حلب در عهد سیف‌الدوله منصب خطابت داشته است، گوید: ... بیشتر آنچه از برکردم یکصد فصل از موعظت‌های علی بن ابی‌طالب است... پژوهنده، هرگاه خطبه‌ها و رساله‌های ادیبان عرب و بلکه شعرهای شاعران عربی زبان پس از اسلام را بررسی کند، خواهد دید کمتر شاعر و ادیبی است که معنی‌ای را از سخنان علی (ع) نگرفته و یا گفته او را در نوشته و یا سروده خویش تضمین نکرده باشد» (شهیدی، ۱۳۷۳: ح).

ادیبان و شاعران فارسی زبان نیز که به علت گسترش نفوذ زبان عربی در سرزمین‌های اسلام به خوبی با آن زبان آشنا بودند و برای سخنان آن حضرت در کنار احادیث نبوی، ارزش ویژه‌ای قائل بودند و آن را فراتر از کلام مخلوق و فروتر از کلام خالق می‌دانستند، به ظرافت‌های بلاغی و زیبایی‌های هنری کلام آن حضرت توجه خاص نشان می‌دادند.

«بلاغت» که عبارت است از گفتن سخنان زیبا و فصیح، با توجه به شرایط زمانی و مکانی و چگونگی حالات مخاطب، به گونه‌ای که همچون تیر به هدف اصابت کند و مؤثرتر واقع شود، به راحتی به دست نمی‌آید. این نکته را شاعران و ادیبان به خوبی درک می‌کنند و می‌دانند که جلوه‌های متعالی بلاغی و ظرافت‌های هنری در سخنان امام (ع) به ویژه در خطبه‌های او که فی‌البداهه انشاد می‌شد ریشه در فضا و عالمی دیگر دارد. از این رو، طبیعی است که آن سخنان را مغتنم بشمارند، هم از آنها نکته‌های ادبی و هنری بیاموزند و هم آثار خود را به محتوای کلام آن بزرگوار مزین نمایند.

۳. همان طور که می‌دانیم امام علی (ع) علاوه بر آنکه شعر شاعران را در خطبه‌های خود به کار می‌گرفت، خود نیز به سرودن اشعار می‌پرداخت و هم اکنون نیز دیوانی، منسوب به آن حضرت چاپ و منتشر شده است.

اگر چه نمی‌توان همه اشعار موجود در آن دیوان را از آن حضرت دانست اما سرودن شعر، از جانب امام (ع) امری قطعی است، همچنان که مترجم دیوان امام علی (ع) در مقدمه آن به نقل از کتاب الذریعه سابقه جمع‌آوری اشعار امام (ع) را اوایل قرن چهارم هجری می‌داند و می‌نویسد: «قدیم‌ترین نسخه از ابن‌احمد عبدالعزیز جلودی، متوفای سال ۳۳۲ به نام شعر علی علیه السلام است... و تاکنون هفده نفر دیوان را جمع‌آوری یا شرح کرده‌اند» (زمانی، ۱۳۶۲: ۱۶).

علاوه بر این، نحوه پاسخگویی علی (ع) به پرسش کسی که از او درباره بزرگ‌ترین شاعر عرب

سؤال کرده بود، ضمن آنکه عمق دیدگاه آن حضرت را درباره شعر و شاعری نشان می‌دهد، بیانگر توجه ایشان به معیارهای نقد ادبی است: «إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يَجْرُوا فِي حَلْبَةِ تُعْرِفُ الْغَايَةَ عِنْدَ قَصَبِيهَا، فَإِنْ كَانَ وَ لَا بَدَأَ فَالْمَلِكُ الضَّلِيلُ» (شریف رضی، ۱۳۹۵ق: ۵۵۶) یعنی شاعران در میدانی نتاخته‌اند که آن را نهایی باشد و خط پایانش شناخته شود و اگر در این باره، ناچار باید داوری کرد، پس پادشاه گمراهان (امرء القیس) بزرگ‌ترین شاعر است.

بنابراین، عنایت امام<sup>(ع)</sup> به شعر و شاعری و حتی عرضه معیارها و ملاک‌های نقد ادبی از طرف آن حضرت می‌توانست زمینه‌ساز توجه شاعران به سخنان آن حضرت گردد.

با توجه به مجموعه این زمینه‌هاست که شاعران فارسی زبان ما، رویکردی خاص به آن حضرت دارند و همچنان که در مقدمه این مقاله آورده‌ایم، سنایی غزنوی دل آن حضرت را «عالم معانی» و الفاظ و کلام او را «آب زندگانی» معرفی می‌کند و حافظ او را «سرچشمه فیض حق» می‌نامد و اسرار کرم و مردانگی و جوانمردی را در نزد او می‌جوید و مولوی، سرتا پای وجود او را چشم و عقل می‌بیند و از او می‌خواهد تا شمه‌ای از معارف الهی که برایش عیان شده است با دیگران در میان گذارد. مولوی اصولاً دستاوردهای معنوی خود را پرتوی از نور معرفت امام علی<sup>(ع)</sup> می‌داند که بر او تابانده شده است؛ آنجا که از زبان عمرو بن عبود خطاب به آن حضرت می‌گوید:

راز بگشای ای علی مرتضی	ای پس از سوء القضا حسن القضا
یا تو واگو آنچه عقلت یافته است	یا بگویم آنچه بر من تافته است
از تو بر من تافت، پنهان چون کنی	بی‌زبان، چون ماه پرتو می‌زنی

(مولوی، ۱۳۶۲، دفتر اول، بیت ۳۷۵۷-۹)

### سابقه توجه شاعران فارسی به سخنان امام علی<sup>(ع)</sup>

شاعران ادب فارسی از دیرباز و تقریباً همزمان با ظهور شعر فارسی دری با سخنان مولاعلی<sup>(ع)</sup> ارتباط فکری داشته‌اند. از این رو، در آثار قدیم‌ترین شاعران زبان فارسی مانند محمدبن وصیف، ابوالهثیم گرگانی، شهید بلخی، رودکی، ابوشکور بلخی شواهدی از تأثیر و تجلی کلام امام<sup>(ع)</sup> دیده می‌شود که به عنوان نمونه، به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

مصراع اول بیت زیر از رودکی، با روایت «أَلْعَلِمُ مِصْبَاحُ الْعَقْلِ» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۴۴) و مصراع دوم آن، با «أَلْعَلِمُ يَخْرُسُكُ» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۸۱) هم مضمون است:

دانشش اندر دل چراغ روشن است	وزهمه بد بر تن تو جوشن است
-----------------------------	----------------------------

(دبیر سیاقی، ۱۳۵۶: ۶۳)

اما در بیت زیر از فردوسی، مفهوم مصراع اول با روایت دوم و مفهوم مصراع دوم با روایت اول همخوانی دارد:

زشمشیرِ دیوان، خرد جوشن است  
 دل و جانِ داننده، زو روشن است  
 (فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۹۸)  
 مصرع دوم بیت زیر از ابوالهثیم گرگانی با روایت «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ» (شریف رضی، ۱۳۹۵ق: ۴۸۱) هم مضمون است:

شکارِ شیر، گوزن است و آن یوز، آهو  
 و مرد بخرد را علم و حکمت است شکار  
 (لازار، ۱۳۶۲: ۶۲)  
 مفهوم بیت زیر از شهید بلخی با روایت «قِيمَةُ كُلِّ امْرِءٍ مَا يَعْلَمُ» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۵۰۲) همخوانی دارد:

دانشا چون دریغم آیی از آنک  
 بی بهایی ولیکن از تو بهاست  
 (لازار، ۱۳۶۲: ۲۴)

این ارتباط فکری در قرن‌های بعد بیشتر می‌شود و کسانی برای احیای کلام امام (ع) در ایران به ترجمه منظوم سخنان آن حضرت دست می‌زنند. یکی از نمونه‌های آن، که به دست ما رسیده است مطلوب کل طالب من کلام علی ابن ابی طالب نام دارد که آن را رشید و طواط، کاتب و شاعر ایرانی قرن ششم، سروده است و بنیاد نهج البلاغه آن را در سال ۱۳۶۵ چاپ و منتشر کرده است. رشید و طواط در این اثر خود، کتابی را که جاحظ، شاعر و ادیب معروف عرب در قرن سوم به نام مائة کلمه از سخنان مولا علی (ع) گرد آورده بود به دو زبان عربی و فارسی مختصراً شرح می‌دهد و در پایان توضیحات خود، مضمون هر یک از کلام امام (ع) را به شعر فارسی بیان می‌کند که دو مورد از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم:

۱. إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ (شریف رضی، ۱۳۹۵ق: ۴۸۰) یعنی: هرگاه عقل افزون شود گفتار کاهش می‌یابد.

مرد را عقل چون بیفزاید  
 برمجامع بکاهدش گفتار  
 (رشید و طواط، ۱۳۶۵: ۹۳)  
 ۲. عَبْدُ الشَّهْوَةِ أَدْلُ مِنْ عَبْدِ الرَّقِّ (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۳۵۲) یعنی: بنده شهوت از بنده زر خرید خوارتر است.

بنده شهوت است در خواری  
 بتر از بنده خریده به سیم  
 (رشید و طواط، ۱۳۶۵: ۱۰۲)

به پیروی از رشید و طواط، آثار دیگری به همین شیوه به وجود می‌آید که مصحح مطلوب کل طالب در مقدمه آن کتاب، اطلاعاتی در این زمینه عرضه می‌نماید. از میان این آثار می‌توان برید السعاده اثر محمدبن غازی ملطیوی را نام برد و یا از کتاب خردنمای جان افروز تألیف ابوالفضل





أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَحَفَّ بِهِ صَاحِبُهُ (شریف رضی، ۱۳۹۵ق: ۵۵۹) یعنی: بزرگ‌ترین گناه آن است که گناهکار آن را خُرد شمارد.

۵. هر آنکه که گویی که دانا شدم  
چنان دان که نادان‌تری آن زمان  
به هر دانشی بر توانا شدم  
مشو برتن خویش بر بدگمان

(فردوسی، ۱۳۷۴، ج: ۱، ۱۸)

حَسْبُكَ مِنَ الْجَهْلِ أَنْ تَعْجَبَ بِعِلْمِكَ (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج: ۲، ۴۸) یعنی: همین نادانی تو را بس که به دانش خویش بنازی.

۶. بردوام تو، عدل توست دلیل  
عدل باشد بلی دلیل دوام

(انوری، ۱۳۷۴، ج: ۱، ۳۱۳)

ثَبَاتُ الدُّوَالِ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ (آمدی، ۱۳۶۶، ج: ۳، ۳۵۳) یعنی: تدوام دولت در گرو اجرای عدالت است.

۷. رخت رها کن که گران روکسی  
کز سبکی زود به منزل رسی

(نظامی، ۱۳۶۳: ۱۹۶)

تَخَفُّوا تَلَحُّقُوا (شریف رضی، ۱۳۹۵ق: ۶۲-۶۳) یعنی: سبکبار باشید تا به مقصد برسید.  
۸. به علم آنکه هزاران هزار راز شناخت  
ز سوز سینه آن مور «البله الظلما»

(عطار، ۱۳۶۸: ۷۲۳)

لَا يُعْزَبُ عَنْهُ... ذَيْبُ النَّمْلِ عَلَى الصَّمَا وَلَا مَقِيلُ الدَّرِّ فِي اللَّيْلَةِ الظَّلْمَاءِ (شریف رضی، ۱۳۹۵ق: ۲۵۶) یعنی: حرکت آرام مورچه بر سنگ سخت و سیاه و همچنین خوابگاه موران ریز در شب تاریک بر خداوند پوشیده نیست.

البته آثار بعضی از شاعران به دلایلی پیوند بیشتری با سخنان مولا<sup>(ع)</sup> دارد. یکی از آن شاعران ناصر خسرو است که شعر را در خدمت دین قرار داده بود و از آن به عنوان وسیله‌ای برای تبلیغ و ترویج عقاید دینی بهره می‌گرفت. او از آنجا که دارای مذهب اسماعیلیه و از معتقدان به امامت علی<sup>(ع)</sup> بود، بیشتر از دیگران تحت تأثیر سخنان امام<sup>(ع)</sup> قرار داشت. حلقه اتصال بعضی از شاعران مانند سعدی و سنایی با کلام امام<sup>(ع)</sup>، بیشتر به دلیل رویکرد آنان به سرودن شعرهای اخلاقی و پندآموز بود؛ زیرا بخش اعظم سخنان امام<sup>(ع)</sup> وعظ و مسائل اخلاقی است که به بهترین بیان عرضه شده است. برای چنین شاعرانی گنجینهٔ باارزشی در زمینه مضامین اخلاقی شمرده می‌شد؛ اما پیوند شاعرانی همچون مولوی و عطار با سخنان آن حضرت، علاوه بر مضمون‌یابی در اخلاقیات، می‌تواند ناشی از جذبات متعالی عرفانی شخصیت مولا علی<sup>(ع)</sup> و انعکاس جلوه‌های شهودی و یافته‌های غیبی او در سخنان گهربارش باشد که آنان را سخت، شیفتهٔ مولا<sup>(ع)</sup> و سخنانش کرده بود.

## شیوه‌های استفاده از کلام امام علی (ع) در شعر

استفاده شاعران از کلام امام علی (ع) گاهی آشکار و صریح و گاهی پنهان و پوشیده است؛ به تعبیر دیگر گاهی شاعران، سخنان آن حضرت را مستقیم بازتاب داده‌اند و به کمک نشانه‌ها و قرینه‌هایی معلوم کرده‌اند که تحت تأثیر آن سخنان بوده‌اند؛ مثلاً به نام یا لقب آن حضرت اشاره کرده و یا بخشی از سخنان ایشان را عیناً در شعرشان منعکس نموده‌اند و گاهی بدون آوردن نشانه و قرینه، مضمون یا تصویری از آن سخنان را در شعر خود، به کار برده‌اند.

انواع زیر بخشی از شیوه‌هایی است که شاعران در این زمینه به کار گرفته‌اند:

۱. تضمین یا اقتباس: در این شیوه، شاعر عین عبارت عربی را در شعر خود می‌آورد؛ مثلاً سنایی در بیت زیر، این سخن علی (ع) را که فرموده است «لَوْ كُشِفَ الْغَطَاءُ مَا زِدْتُ يَقِيناً» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۱۰۸) یعنی: اگر پرده‌ها برافتد، بریقین من افزوده نمی‌شود، تضمین کرده است:

تا بدان حد شده مکرم بود      «لَوْ كُشِفَ» مر و را مسلم بود

(سنایی، ۱۳۷۴: ۵۹)

۲. ترجمه: بدین صورت که شاعر، معنی فارسی روایت را در شعر می‌گنجاند. در بعضی موارد این ترجمه‌ها تحت اللفظی است؛ همچنان که روایت «المرء مخبوءٌ تحتَ اللسان» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۴۰) را مولوی در مصرع اول بیت زیر ترجمه کرده است:

آدمی مخفی است در زیر زبان      این زبان پرده‌ست بر درگاه جان

(مولوی، ۱۳۶۲، دفتر دوم، بیت ۸۵۴)

و یا اینکه ناصر خسرو ضمن تصریح به لقب علی (ع) روایت «قیمتٌ کُلُّ امرءٍ ما یعلم» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۵۰۲) را در مصرع اول بیت زیر ترجمه کرده است:

قیمت هر کس به قدر علم اوست      این چنین گفته‌ست امیرالمؤمنین

(ناصر خسرو، ۱۳۶۵: ۱۱۹)

در بعضی موارد نیز ترجمه‌ها آزاد است؛ یعنی شاعر مفهوم روایت را به صورت دلخواه به شعر درمی‌آورد؛ همچنان که مولوی، مفهوم سخنان امام (ع) را خطاب به عمرو بن عبدود که فرمود: «خشیئتُ أنْ أضربَہُ لِحَظِّ نَفْسِ فَتَرَکْتُهُ حَتَّى سَکَنَ ما بَی ثُمَّ قَتَلْتُهُ فی اللہ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۱۷) در ابیات زیر آورده است:

گفت من تیغ از پی حق می‌زنم      بنده حقم نه مأمور تنم  
چون خدو انداختی در روی من      نفس جنیید و تبه شد خوی من  
نیم بهر حق شد و نیمی هوا      شرکت اندر کار حق نبود روا

(مولوی، ۱۳۶۲، دفتر اول، بیت ۳۸۷۶۸)

۱. شرح و تفسیر: بدین صورت که شاعر مضمون روایتی را شرح می‌دهد و معنی آن را تفسیر می‌کند؛ همچنان که سنایی، دو روایت زیر از امام (ع) را در حدیقه الحقیقه شرح داده است: نخست *الْبَطْنَةُ تَمْنَعُ الْفِطْنَةَ* (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۹۴) یعنی: پرخوری، مانع تیزهوشی می‌شود؛ دوم *احْفَظْ بَطْنَكَ وَفَرَجَكَ فَفِيهِمَا فِتْنَتُكَ* (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۷۹). یعنی: شکم و شهوت خود را مهار کن که آن دو موجب فتنه و آزمایش تو خواهند بود.

اولیــــن بنــــد در ره آدم	بود نای گلو و طبل شکم
طبل و نای است اصل فتنه و شر	هر دو بگذار خوار و خودبگذر
هر کش امروز قبله مطبخ شد	دان که فرداش جای دوزخ شد
کآدمی را در این کهن برزخ	هم زمطبخ دری است در دوزخ
کم خورش تخم شر و بطنت نیست	هر کجا بطنت است فطنت نیست
چون خوری بیش، پیل باشی تو	کم خوری جبرئیل باشی تو
کم خوری، ذهن و فطنت و تمیز	پر خوری، تخم خواب و آلت تیز
هر که بسیار خوار باشد او	دان که بسیار، خوار باشد او
خوراندک فزون کند حکمت	خور بسیار، کم کند فطنت
اصل دانش بود ز کم خوردن	مرد پر خوار اصل آزدن

(سنایی، ۱۳۷۴: ۳۸۹)

۲. ادبی - تصویری: یعنی اینکه شاعر تشبیه، استعاره یا مجازی را که در روایت آمده است در شعر خود به کار برد؛ مثلاً تشبیه جهان به سراب که در بیت زیر آمده است می‌تواند برگرفته از این سخن امام علی (ع) باشد که فرمود: *الدنيا غرورٌ حائلٌ و سرابٌ زائلٌ* (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۲۱) یعنی: دنیا فریبنده‌ای نابکار و سرابی ناپایدار است.

به چه ماند جهان مگر به سراب	سپس او تو چون روی به شتاب
-----------------------------	---------------------------

(ناصر خسرو، ۱۳۶۵: ۲۷)

۳. حلّ یا تحلیل: یعنی اینکه شاعر به دلایلی از جمله قرار گرفتن در تنگنای وزن و قافیه در ساختار عربی کلام دست ببرد و آن را تغییر دهد؛ همچنان که سلمان ساوجی در بیت زیر این سخن علی (ع) را که فرمود: *«لا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ وَأَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ»* (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۲۶۶) را با اندکی تغییر در بیت زیر به کار برده است:

قصّه سلمان بگو و رعار دارد استماع	گو که منگر «من يقول» ای دوست بشنو «مايقال»
-----------------------------------	--

(سلمان ساوجی، ۱۳۶۷: ۲۱۰)

## منابع

- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶) غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال‌الدین خوانساری، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، ۶ جلد، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
- انوری، محمد بن محمد (۱۳۷۴) دیوان انوری، تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، ۲ جلد، چاپ سوم، تهران، علمی و فرهنگی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۲) نهج الفصاحه، چاپ هفدهم، تهران، جاویدان.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۸) دیوان حافظ، تصحیح قزوینی-غنی، چاپ دوم، تهران، اساطیر.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۴) تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، چاپ سوم، تهران، اساطیر.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۵۶) پیشاهنگان شعر فارسی، چاپ دوم، تهران، جیبی.
- راستگو، محمد (۱۳۷۶) تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، چاپ اول، تهران، سمت.
- رشید و طواط، محمد بن محمد (۱۳۶۵) مطلوب کل طالب، تصحیح محمود عابدی، چاپ اول، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- زمانی، مصطفی (۱۳۶۲) دیوان امیرالمؤمنین امام علی (ع)، چاپ اول، قم، پیام اسلام.
- سلیمان ساوجی، سلمان بن محمد (۱۳۶۷) دیوان سلمان ساوجی، تصحیح تقی تفضلی، تهران، صفی‌علیشاه.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۹) کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، چاپ هشتم، تهران، اقبال.
- سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۷۴) حدیقه الحقیقه، تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۹۵ ق) نهج البلاغه، به کوشش صبحی صالح، چاپ افست، قم، هجرت.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۳) نهج البلاغه، چاپ ششم، تهران، علمی و فرهنگی.
- صائب تبریزی، محمد علی (۱۳۳۳) کلیات صائب تبریزی، با مقدمه امیری فیروز کوهی، چاپ اول، تهران، خیام.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۶۸) دیوان عطار، تصحیح احمد تفضلی، چاپ پنجم، تهران، علمی و فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۴) شاهنامه فردوسی، براساس چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان، جلد اول، چاپ دوم، تهران، قطره.
- لازار، ژیلبر (۱۳۶۲) اشعار پراکنده قدیمی‌ترین شعرای فارسی زبان، چاپ اول، تهران، انجمن ایران شناسان فرانسه در ایران.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۲ ق) بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۰) میزان الحکمه، ۱۰ جلد، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مستوفی، ابوالفضل (۱۳۶۸) خردنمای جان افروز، تصحیح محمود عابدی، چاپ اول، تهران، رجاء.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۶۲) مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، چاپ دوم، تهران، مولی.
- ناصر خسرو (۱۳۶۵) دیوان ناصر خسرو، تصحیح مهدی محقق، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۶۳) مخزن الاسرار، تصحیح بهروز ثروتیان، چاپ اول، تهران، توس.